

نامه صدام حسین به رئیس جمهور وقت ایران

۲۴ مرداد ۱۳۶۹، صدام حسین ملعون رئیس جمهور عراق با ارسال نامه‌ای خطاب به هاشمی رفسنجانی - رئیس جمهوری اسلامی ایران - تمام شرائط ایران را برای برقراری صلح میان دو کشور از جمله قرارداد ۱۹۵۷ الجزایر، عقب نشینی نیروهای عراقی از اراضی اشغال شده ایران و آزادی اسیران ایرانی پذیرفت .

نامه صدام حسین در ۱۱ سالی که از روابط خصمانه‌اش با ایران می‌گذشت، منحصر به فرد و بی‌سابقه بود. دیکتاتور بزرگ عراق که حمایت همه کشورهای عرب منطقه را در پی داشت پس از پذیرفتن صلح و تجاوزگری خود بر علیه کشور ایران مهر تائیدی بر اندیشه های اهریمنی اتحادیه عرب و سردمداران غربی که وی را بی وقفه مورد حمایت خود قرار میدادند زد .

نامه صدام حسین، ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح روز چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ به وقت تهران به شرح زیر از رادیو صوت الجماهير بغداد قرائت شد :

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت رئیس جمهور، علي اکبر هاشمي رفسنجاني، رئیس جمهوری اسلامی ایران پس از اتکال بر خداوند متعال و به نیت از بین بردن تمامی موانعی که بر سر راه ایجاد روابط برادرانه میان تمام مسلمانان و از جمله برادران مسلمان ایران وجود دارد و به منظور فعال ساختن جدی و هماهنگ کردن برادران مومن جهت رویارویی با اشراری که می‌خواهند به مسلمانان و امت عرب ضربه بزنند و برای این که ایران و عراق را از تحریکات و بازی‌های قدرتهای شرور بین‌المللی و وابستگان آنان در منطقه بازداریم و به منظور هماهنگی با روح اصولی که در ۱۲ اوت ۱۹۹۰ به منظور ایجاد صلح دایمی و همه جانبه در منطقه اعلام کردیم و خواست ما از آن نامه برقراری صلح دایم و همه جانبه در منطقه بود و برای آن که از هرگونه بهانه‌ای که مانع از همکاری و موجب افکار بد شود، ممانعت کند و همچنین برای این که امکانات عراق، دور از صحنه رویارویی عظیم معطل نماند و به منظور به کار گرفتن آنها در جهت اهدافی که مسلمانان و اعراب شرافتمند به حق بر آن توافق دارند و دوری جستن از تداخل سنگرها و کینه‌ها و بغض‌ها و برای آن که خیرخواهان راه خود را در بازگشت روابط عادی خواهند یافت، به عنوان ثمره مذاکرات از زمان نامه ۱۹۹۰/۴/۲۱ ما، تا آخرین نامه شما در هشتم اوت ۱۹۹۰، به عنوان حل نهایی و روشنی که جای هیچگونه ابهامی باقی نگذارد، تصمیمات زیر را اتخاذ کردیم :

۱- موافقت با پیشنهاد شما که در نامه جوابیه مورخ هشتم اوت ۱۹۹۰ توسط «برزان ابراهیم تکریتی» نماینده ما در ژنو از آقای

سیروس ناصري نماینده شما دریافت شد. پایه قرار دادن قرار داد ۱۹۵۷ به عنوان اصول منسجم با آنچه که در نامه ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰ به ویژه در مورد تبادل اسرا و بندهای ۶ و ۷ از قطعنامه ۵۹۸ آمده است .

- ۲ بر اساس آنچه که در بند اول این نامه و آنچه که در نامه مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰ آمده است، ما آماده ایم هیاتی را به تهران بفرستیم و یا هیاتی توسط شما به بغداد اعزام شود تا موافقتنامه ها را جهت امضا آماده کند .
- ۳ به عنوان ابتکار حسن نیت، ما از روز جمعه هفدهم اوت (۶۹/۵/۲۶) نیروهای خود را از مرزهای شما فرا می خوانیم و تنها نیروهای سمبلیکی را به عنوان نگهبانان و پلیس مرزی باقی می گذاریم تا در شرایط طبیعی به وظایف روزمره خود عمل کنند .
- ۴ کلیه اسرای جنگ با تمام تعداد بازداشت شدگان را فوراً از راه مرزهای زمینی از جمله خاتقین و قصر شیرین و مناطقی که مورد توافق دو طرف خواهد بود، آزاد خواهیم کرد و ما اولین گام در این زمینه را روز جمعه هفدهم اوت بر خواهیم داشت .
- آقای رفسنجانی رئیس جمهور، با این تصمیم ما، همه چیز روشن و تمام خواسته ها و مسائلی که بر آن تکیه می کردید، تحقق می یابد و چیزی نمانده است مگر آن که موافقتنامه ها آماده و امضا شود تا هر یک از ما جهت ورود به زندگی جدید، اشراف واضح داشته باشیم .
- همکاری ما باید در سایه اصول اسلامی و احترام متقابل و دور کردن طرفیایی باشد که خواستار شر برای منطقه هستند و قصد دارند از آب گل آلود ماهی بگیرند و شاید با یکدیگر همکاری کردیم تا خلیج، دریاچه صلیح و امن و خالی از ناوگان و نیروهای خارجی باشد که بدخواه ما هستند. بعلاوه همکاری در مسائل حیاتی دیگر - والله اکبر والحمدلله
- صدام حسین - رئیس جمهوری عراق - ۲۳ محرم

در پی ارسال این نامه، رژیم عراق بلافاصله در اجرای پیشنهادات صدام به رئیس جمهور ایران، هزاران اسیر ایرانی را آزاد کرد، نیروهای خود را از ۲۴۰۰ کیلومتر اراضی اشغال شده عقب کشید، به جنگ تبلیغاتی ۱۱ ساله خود علیه جمهوری اسلامی ایران خاتمه داد و در محافل خبری و سیاسی خود رسماً معاهده ۱۹۷۵ الجزایر را به عنوان پایه گسترش مناسبات بغداد با تهران مورد تاکید قرار داد .

زمان انتشار نامه صدام حسین اهمیت دارد این نامه در ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ - کمتر از دو هفته پس از حمله نظامی ارتش عراق به خاک کویت و اشغال این شیخ نشین- ارسال شد. به عبارت دیگر، عراقی ها در آن موقعیت، نیازمند آرامش در مرزهای شرقی خود بودند تا بتوانند با فراغ بال، عملیات خود را در مرزهای جنوبی علیه کویت پی گیرند. صدام در نامه خود، تلویحاً به این موضوع اشاره می کند :

«...و همچنین برای این که امکانات عراق دور از صحنه رویارویی عظیم، معطل نماند و به منظور به کار گرفتن آنها در جهت

اهدافی که مسلمانان و اعراب شرافتمند به حق بر آن توافق دارند و دوری جستن از تداخل سنگرها ...»

بنابراین، ارسال این نامه و اقدامات بعدی عراق در آزادسازی اسیران ایرانی و یا عقب‌نشینی از مرزها و پذیرش مجدد قرار داد ۱۹۵۷ الجزایر و ... نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن عملیات اشغال کویت و نیاز عراق به فراغ بال در مرزهایش با جمهوری اسلامی ایران، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد .

در حقیقت صدام حسین عملیات صلح خود با جمهوری اسلامی ایران را با پذیرش معاهده‌ای شروع کرد که ۱۰ سال پیش از آن، جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران را با لغو همان معاهده آغاز کرده بود. معاهده، همان معاهده بود. در آن زمان، صدام با سرمستی از قدرت خیالی‌اش و اطمینان از حمایت غرب و شرق، به ایران حمله کرد، اما در این دوره، از واکنش خشم‌آلود بین‌المللی نسبت به اشغال کویت، مطمئن بود. به همین دلیل همان معاهده را با هدف پایان کینه‌توزی و دشمنی خود با ایران، از موضع ضعف پذیرفت، بی‌آن‌که تاوان و غرامت این دشمنی و عناد طولانی و بی‌حاصل را پرداخته باشد .

قرارداد ۱۹۷۵ چه بود؟

قرارداد ۱۹۷۵ م. نقطه پایان بسیاری از اختلافات سیاسی، ارضی، آبی و ایدئولوژیک میان دو دولت حاکم بر ایران و عراق بود. به موجب این قرارداد که پیش از ظهر روز ۱۶ اسفند ۱۳۵۳ - ششم مارس ۱۹۷۵ - میان محمدرضا پهلوی شاه ایران و صدام حسین رئیس شورای فرماندهی حزب بعث عراق در الجزیره به امضا رسید، طرفین به اختلافات خود در بسیاری زمینه‌ها خاتمه دادند . اختلافات دو کشور تقریباً از سالهای بعد از کودتای کمونیستی ۱۹۵۸ عبدالکریم قاسم در عراق آغاز شد. تا پیش از آن ، در عراق رژیم سلطنتی نوری سعید روابط دوستانه و نزدیکی با شاه ایران داشت و تشابه نظام حکومتی دو کشور و همچنین وابستگی مشترک هر دو کشور به آمریکا، مانع از بروز هرگونه اختلاف بین آنان شده بود. اما کودتای کمونیستی قاسم که از پایه و اساس مخالف سیاستهای امریکایی شاه بود، موجب بروز اختلاف شد. این اختلافات در همان سالهای پس از کودتا منجر به تقویت نیروهای نظامی هر دو کشور در تمام طول مرز مشترک طرفین گردید؛ هر چند درگیری قابل توجهی رخ نداد. عبدالکریم قاسم در عراق تابع سیاست‌های کمونیستی و شاه ایران نیز تابع سیاستهای امریکا بود و اتخاذ این دو سیاست نقطه آغاز کشمکشهای جدی دو کشور به شمار می‌رفت. این اختلافات در سالهای بعد از کودتاهای نظامی عبدالسلام عارف - ۱۹۶۳ م. - و برادرش عبدالرحمن عارف - در ۱۹۶۶ م. - نیز کم و بیش ادامه یافت و از ۱۹۶۸ م. به بعد که بعثی‌ها در عراق به قدرت رسیدند ، عمیق‌تر شد. حسن البکر رئیس رژیم کودتایی عراق در بهار ۱۹۶۹ م. ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود را مطرح کرد و این امر به آمادباش نیروهای دریایی ایران انجامید. در آن زمان بعثی‌ها روابط خوبی با شوروی داشتند. از سوی دیگر امریکا و رژیم صهیونیستی که حامیان

اصلي شاه بودند، وي را به تحريك كردهاي ناراضي عراق و رساندن اسلحه و مهمات به آنان تشويق كردند .

اين تحريكات به نبردهاي خونيني در شمال عراق ميان كردها و رژيم اين كشور انجاميد و به مرور بر تيرگي روابط ايران و عراق افزود. معاهده الجزاير كه با وساطت « هوارى بومدين » رئيس جمهور اين كشور به امضا رسيد، نقطه پايان اين اختلافات تا قبل از پيروزي انقلاب اسلامي ايران بود .

رهبان ايران و عراق كه براي شركت در اجلاس روساي كشورهاي عضو اوپك عازم الجزيره شده بودند، روز ششم مارس ۱۹۷۵ - ۱۶ اسفند ۱۳۵۳ - معاهدهاي به امضا رساندند كه به موجب آن حق حاكميت ايران بر اروند رود تثبيت شد و مرزهاي آبي ميان دو كشور، خط تالوگ (عميق ترين خط طولی در عمق رودخانه) تعيين شد .

به موجب اين پيمان، صدام حسين از جانب دولت عراق تعهد سپرد كليۀ كردهاي عراق را كه عليه دولت شوریده بودند، مورد عفو قرار دهد و در عوض نيروهاي نظامي طرفين نيز از مرزها فاصله بگيرند؛ دو كشور به جنگ تبليغاتي عليه يكديگر خاتمه دهند و باب مبادلات اقتصادي، سياسي و فرهنگي را با يكديگر بگشايند. در آن زمان موضع مشترك دو كشور در تصميمات اوپك، خود عامل محرکهاي براي عراقيها در استقبال از پيمان الجزيره بود .

در پي انعقاد پيمان الجزاير، امير عباس هويدا نخست وزير وقت ايران، در فروردين ۱۳۵۴ رهسپار بغداد شد و صدام حسين نيز در اربيهشت همان سال به تهران آمد تا چگونگي اجراي بندهاي اين پيمان را بررسي کند.

با اين حال، همانگونه كه اشاره شد حكومت عراق با پيروزي انقلاب اسلامي ايران تمامي معاهدات و قراردادهاي خود با تهران را زيرپا گذاشت و از جمله قرارداد الجزاير را به طور يکجانبه لغو کرد . صدام حسين به فاصله ۱۷ ماه پس از پيروزي انقلاب اسلامي ايران و ۵ روز قبل از آغاز جنگ تحميلي، قرارداد الجزاير را در برابر دوربين تلويزيون عراق پاره کرد و با اين اقدام، مرزهاي جمهوري اسلامي ايران را مورد تعرض قرار داد .

نامه ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ صدام در پذيرش مجدد قرار داد الجزاير، ۱۰ سال بعد از پاره کردن همين قرارداد توسط وي صورت گرفت.